۳ ژانو - ۱۹۵۹

(Post factum)

ژالهٔ عزیز مهربان را قربان پس از درود صمیمانهٔ خود و خانواده ارجمند و شادباش سال نو :

نامهٔ پر مهر و تسلی‌بخش مورخ ۲۴ دسامبر ۱۹۵۸ تو واصل شد. از ابراز آذر هم خواندم

تا در ایام سرد دی روح بیمارستان با سخنان گرم و روح‌نواز تو آرامش یابد. بیماری

آذر را «گواتر» یا «بیماری Баздов» تشخیص داده‌اند. قرار است از روز ٤

عمل کنند. پس از عمل سه هفته در بیمارستان بماند. تصور تو از گذران روحی من

کاملاً درست است. عجالةً با روشنک در خانه تنها بسر میبرم. گاه اداره و گاهی

پرواز بیمارستان... اسیر است این ایام ما. خود را به ایام بهتر ببریم. و سردی

زمانه را که با زمستانی پر برف و سرما نیز مواجه است با گرمی در جهان گرم رویاها -

تا آنجا که جبران کردنی است - جبران میکنم. ولی محیط بیست ساله با جوانی از این برگ

خشکیدهٔ پائیزی است که تو وصف کرده‌ای. تعارف‌های همیشگی نیز در آن از

غم محبت واقعی عاری است. بقول [illegible]:

مانده بود اندر گل شادی نمی — اندرین ایام آن غم هم نماند.

وقتی آثار منثور (نظم) «Lamento» که از روان رنج‌کش آدمی فریاد

می‌کشند، آنوقت بعضی‌ها میگویند «پسیمیست است» (یعنی گویا تمایش [illegible]

تاریخ وطن ... یاد است !!!) فیلسوف یونانی «پیرون» زمانی در کشتی نزدیک غرق

کشتی‌نشینان هراسان بودند خوکی را درحال نواله‌خوردن دید: خونسردی و بی‌اعتنایی. آیا این

بی‌اعتنائی خوک‌وار که آن را «آتاراکسی» «نامید» نصیب ما مردم شاعرپیشه

است و شایان مدحی است. به حسب اینها سخت تنها و تنزلنا که در [illegible]

هرکس الگوی روحی خود را مطلق میکند و در حقانیت آن شک ندارد. لذا [illegible] شکوه

راست و شکوه از کلم ندارم. ابهام در کلمه «درد دل» «نوشتم و محتوای شخصی ندارد. بقول

دنیا: «~~[illegible]~~ قدرت».

اشعار ارسالی زیبا بود. از قطعات «آفتاب آزادی»، «بهار مژده‌رسان»

منثور (مقطوعات) استفاده کرد. قطعات «خاکستری» و «من که به پیراهن گلگشته‌ام» را

زیباست ولی با مطلع با نگرمان «پیتی منیم» شاعرانه است که خواستاران

«شیر و داغ» را راضی میکند. قطعه «برابری» نیز به نتیجه‌گیری روشنی منتهی

علاوه بر اینکه طرح شده است - علی‌رغم برخی مصرعها و تشبیه‌های خوب - کمی سست

است. در کتاب شاعر از قطعات «گیاه وحشی کوهم» و «آتش عشق» و «شعله»

استفاده خواهیم کرد و شاید مجموع این ۵ قطعه را در شماره آینده دنیا منتشر کنم

(شاید هم در شمارهٔ در دست تدارک)

در مورد تعیین ما دا تقریباً ۱۵ روز کار می‌کرد. درباره لنگهٔ آذر، عجالةً باید دوران بیمارستان را گذرانده و اما سخن مسکو او بیمارستانی است

دوره‌ای از دوستان ما (ژ.ز.ا.اونکیان) که امکان بهتری برای دعوت دارد بعضی پیشنهادها در قسمت آخر تر کرده است ولی طبیب معالج ترگرده

ترجیح دارد برای عمل کمال از سن خود دارا درشده مگر آنکه برای ساناتوریوم معین باشد. تا ببینیم چه میشود. از لطف و عنایت خواهرانهٔ تو

آذر و من سپاسگزاریم.

اما درباره کسالت‌های گوناگون تو که ظاهراً جسم و روح را یکجا بیازارد، اعصاب با معالجه، صبر و دلیری گرد تحمل تمام ناراحتی‌های

چنین سالهای را، آن کسالت‌ها را سرکوب کنی. هنوز مجموعهٔ زندگی است و نباید این عوارض ناخواسته میدان عرض‌اندام داد.

عزیزان مرشد، مادر و همه اسم‌های کنار به سلامتی تو لبیک است که باید انتظاری جواب نگذاشت. البته به جمع عزیز مراتب لازم را

میکند که تو را در جنگ با عوامل مرض پیروز گرداند. صمیمانه دست ارجمند جمع دوستان [illegible] سلام گویم. روشنک خاله عزیز را میبوسم

زیاده عرضی نیست. قربانت - [illegible].